99/5
۱۹



به سرپرستی عالیهٔ
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

چاپ نو از پنجاه کتاب چاپ شدهٔ نایاب در بارهٔ ایران

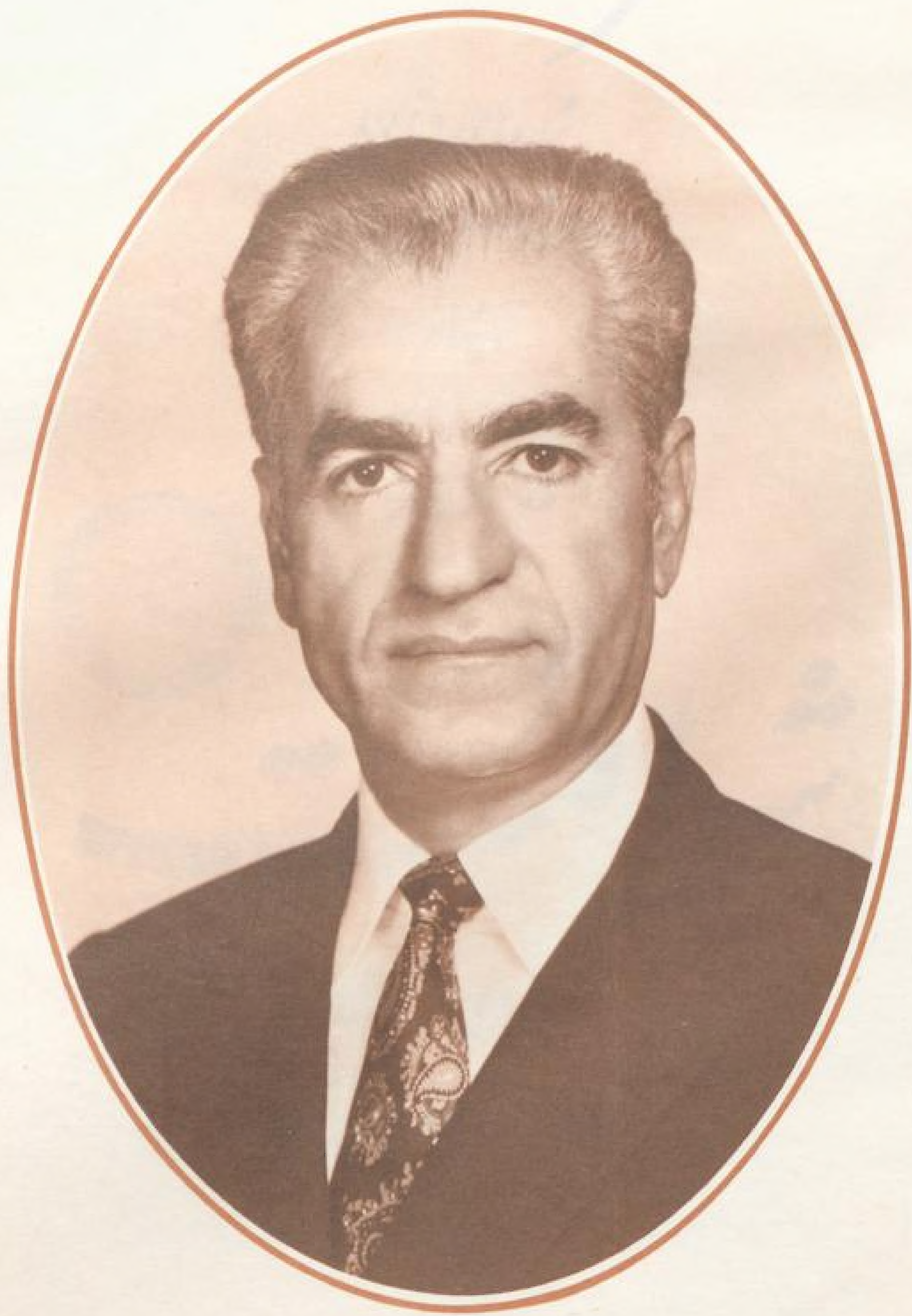
یادگار پنجاهمین سال تاجگذاری بنیادگذار دودمان شاهنشاهی پهلوی

شاهنشاه بزرگ رضاشاه پهلوی

اردیبهشت‌ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

چاپ نو از کتابهای چاپ‌شدهٔ نایاب دربارهٔ ایران برای گرامی داشتن یاد شاهنشاه بزرگ رضاشاه پهلوی در پنجاهمین سالگرد بنیادگذاری شاهنشاهی دودمان پهلوی انجام گرفته است و پنجاه کتاب را در بارهٔ فرهنگ و تاریخ ایران به زبانهای گوناگون که سالها و بلکه قرنها نایاب بوده در بر میگیرد. این کتابها با همکاری هیأتی از دانشمندان چند کشور برگزیده شده‌اند. از همکاری این دانشمندان و از دانشگاهها و کتابخانه‌هائی که این کتابها را برای عکسبرداری و چاپ در دسترس سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته‌اند سپاسگزاری میشود.





شرف

شماره های ۱ تا ۸۷

۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ هجری قمری

نقاشیها از

ابوتراب غفاری و میرزا موسی

خط از محمدرضا کلهر



شرافت

شماره های ۱ تا ۶۶

۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ هجری قمری

نقاشیها از مهدی مصورالملک



تهران ۲۵۳۵ شاهنشاهی

ویراستاران:

محمد مقدم

مصطفی انصاری

زیر نظر مجید رهنما

دوره کامل روزنامه‌های شرف و شرافت از روی دوره‌هائی که در کتابخانه ملی تهران نگاهداری میشود عکسبرداری و در شرکت افست (سهامی خاص)، چاپخانه بیست‌وپنجم شهریور در دو هزار نسخه چاپ و صحافی شده است.


جریدهٔ شریفهٔ شرف
١٢



نمرهٔ اول — غرهٔ محرم ۱۳۰۰

این روزنامه شریفه ماهی یک نمره بطبع میرسد — قیمت نسخه یکقران سالیانه یک تومان و دوهزار دینار



اعلان

روزنامهٔ مصوّر که در اغلب دول فرنگ معمول و سابق هم چندی در دولت علیه بحلیهٔ طبع میرسید و بواسطهٔ بعضی عوایق متروک شد این مدت که ادارهٔ کل مطبوعات ممالک محروسهٔ ایران مفوّض باین بنده است و چندین روزنامهٔ رسمی و پلیتیکی و علمی و تجارتی و غیر رسمی در طهران و سایر بلاد طبع و منتشر میشود همیشه در خاطر داشت که بتجدید آن رسم پردازد و مجدداً ادارهٔ روزنامهٔ مصوّری برپا سازد که اقلاً ماهی یک نمره طبع شود و مخصوص باشد برسم صور اعاظم این مملکت و اگر موقع مقتضی شد شبیه اعیان ممالک دیگر از اروپا و آسیا و امریک بلکه افریقا و استرالی هم ترسیم یابد و در ذیل هر صورت شرح حال صاحب صورت مرقوم شود اگرچه روزنامهٔ مصوّر سابق دولتی بود و اینکه حالا بطبع آن اقدام مینمائیم غیر دولتیست ولی من البدو الی الختم سمت رسمیت دارد و از قید آزادی خارج و مشتمل بر چهار صفحه که دارای دو تصویر میباشد و از آنجا که مخصوص نگارش شرح حال بزرگان عالمست آنرا موسوم بشرف مینمائیم رجای واثق آنکه مطبوع و مقبول رجال دولت علیه و دانشمندان مملکت گردد

ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه

السّلطان ابن السّلطان ابن السّلطان والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان

شرف و زینت این قرن و عصر بر سایر قرون و اعصار بآثار جلیله و مآثر کریمهٔ شهریاریست که ذات اقدسش بصفات عدل و داد متصف و آراسته و نهال اقبال پرورش را دست تأیید باللطیفه عنایت از سرکوزه شوایب پیراسته انچه اخلاق حمیده ایست خاصه علم و حلم از ملکات راسخهٔ این شاهنشاه کارآگاه است و حل و عقد امور کشور و قبض و بسط مهام مملکت و لشکر مخصوص شخص کامکار و نفس نفیس معالی آثار حضرت ظل اللّهی است و چون وضع این روزنامه برای نگارش احوال اشخاصی است که در عرصهٔ عالم بسمت تفرّد و برتری معروف و بوصف عظمت و جلالت موصوفند بنا بر آنست که نمرهٔ اول را باجمالی از احوال فیروزی مآل خسروانی موشّح و باین طراز بی انباز مطرّز و مزیّن سازیم چه تکلیف حکمگذاری ما اینست و وظیفهٔ چاکری چنین پس گوئیم شب پنجشنبه ششم شهر صفر المظفر سنه هزار و دویست و چهل و هفت هجری اصقاع و نواحی این ممالک از میامن ولادت باسعادت همایون بانواع برکات و اصناف فیض و رحمت مقرون و مشحون آمد هم از اول روز جبههٔ مبارک با بشارات لایحه و واضحه بعموم اهل ملت بشارات خوش بختی و بهروزی میداد و مقدم بهجت شیم مقدسش انتهای نیک اختری و سعادتمندی همی نمود و سال بسال علایم رعیت پروری و دلایل مملکتداری با مکارم اخلاق و سجایائی که مقبول و ممدوح انفس و آفاقست از جبینگاه اقدسش ظاهر بلکه آناً فآناً بدرجهٔ شهود و ثبوت رسید چنانکه هر دیده دید و هر گوش شنید تا آنکه در سال هزار و دویست و شصت و چهار ظل عاطفتش بفر همائی پرتو افکن ساحت آذربایجان و ضیابخش آنسامان گردید اهل آن ایالت در کنف جلالتش آسوده و در بستر راحت و ایمنی غنودند قبل ازین فرمانفرمائی در سال هزار و دویست و پنجاه و سه با جمعی از امجاد خدم و انجاد حشم تشریف فرمای قفقاز شده در ایروان با امپراطور نیکلای مرحوم امپراطور اعظم شأن دولت روس جد اعلیحضرت الکساندر سیم امپراطور حالیه ملاقات فرمود

و درین تلاقی و مقام با وجود یکه سنین عمر مبارک را ارتقائی چندان نبود آنچه از متانت و رزانت رای و قر و فر با بهره و لطف هیبت و طیب لهجه

از آن فرخنده حضرت ذی موهبت پدیدار گشت همه از قبار ملوک نامدار بود و گفتار سلاطین تاجدار این اقوال و اطوار خسروانه را از فرط استعجاب نویسندگان در اوراق دفاتر نوشتند



و مطالعه کنندگان مطلع گشتند و در اینجا حاجت به تذکار نیست تا جلوس ابد مانوس شهریاری بر تخت فیروز بخت شاهنشاهی نخست در بیست و هم شهر شوال المکرم سنه هزار و دویست

و شصت و چهار هجری در دار السلطنه تبریز بود و پس از آن در بیست و دوم ماه ذیقعده همان سال در دار الخلافه ناصری ری که سلطنت عظمی و سریر خلافت کبری بعد و بهجت لزوم

حلی زینتی بسزا یافت و منشور اقبال بهر جانب شتافت که بشری لقد انجز الآمال ما وعدا و ادرک المجد اقصی ما تمنا پس از جلوس همایون وزیر بر برابادانی

ملک و نظم دولت روزافزون و شکوه سلطنت و آسایش رعیت و امنیت طرق و شوارع و ترقیات مادی و معنوی و نشر علمیات و عملیات و فراغت عباد و معموری بلاد خاصه عمارت شهر دارالخلافه ناصره که امروز از ابنیه رفیعه عالیه و مبانی و قصور مشیده و خیابانهای وسیعه داخل و خارج آن از غوطه دمشق و سغد سمرقند و ابرطاق نسیان گذاشته چنانکه اینک بهشتی است خرم یا ثانی آیین باغ ارم و در این شهر و سایر بلاد ممالک محروسه از هر طرف که مبنی آثارهای خیریه خسروانه است از انجمله است ایجاد مدرسه دارالفنون در دارالخلافه و مدارس و مکاتب دیگر در سایر بلاد نشر علوم جدیده ایجاد مریضخانهها و دواخانهها ابنیه خیریه بیشتر در اماکن شریفه مذهب کردن گنبد مطهر سر من رای ایوان طلای مشهد مقدس مذهب کردن گنبد حضرت عبدالعظیم علیه السلام ایجاد تلگرافخانه ایجاد ضرابخانه با چرخ بخار ایجاد چراغ گاز ایجاد پستخانه چرخ بخار در قورخانه کارخانه توپ ریزی باروط کوبخانه با چرخ بخار کارخانه فشنگ سازی کارخانه چاشنی سازی ایجاد اداره پلیس سرباز خانهها در شهرها نظم عساکر و ترتیب آنها بنای قلعجات در سرحدات بنای مجمع الصنایع ترقی در نسج حریر و غیره ترقی در شال کرمان ابنیه متعدده در بلاد و شوارع عام بجهت فراغت عابرین ساختن راههای شوسه در اغلب بلاد که غالباً مسالک صعبه را سهل کرده انکشاف بعضی از معادن ایجاد مجلس شورای دولتی وزارت عدلیه منظم تعیین وزارتخانههای مرتب دارالطباعه و ایجاد روزنامهها بالجمله تاریخ این عهد ابد مهد مختصر نشاید همینقدر گوییم اعلیحضرت همایون را در هر کار مزیت و اختصاصی است که میتوان وجود مسعود مبارک را مبدع آن کار دانست بخصوص سفرهای خیریت آثار همایونی در خارجه که اولاً سفر عتبات عالیات و عراق عرب بود در سال هزار و دویست و هشتاد و هفت ثانیاً سفر اول فرنگستان در سنه هزار و دویست و نود که ممالک معتبره اروپا را تماماً سیاحت فرمودند ثالثاً سفر ثانی فرنگستان در سال هزار و دویست و نود و پنج و در این دو سفر تمام سلاطین و امپراطورهای با تمکین اقلیم اروپ و روسای معظم ملل در پذیرائی وجود مسعود همایون حد حرمت و احترام را مرعی و منظور داشتند بلکه تا کنون هیچ پادشاهی در اقلیم فرنگ باین نحو پذیرفته نشده اللهم انصر جیشه و ابد عیشه

نواب مستطاب اشرف ارفع اعظم مظفرالدین میرزا ولیعهد دولت علیه ایران

ولیعهد دولت جاوید شوکت علیه ایران حکمران و فرمانفرمای مملکت آذربایجان و مضافات مظفرالدین میرزا ادام الله بقائه روز جمعه چهاردهم ماه جمادی الثانیه سنه هزار و دویست و شصت و نه متولد شدند و در سال هزار و دویست و هفتاد و هفت بفرمانفرمائی و حکمرانی مملکت آذربایجان و مضافات نائل گردیدند و در ماه ذیحجه الحرام سنه هزار و دویست و هفتاد و هشت بولیعهدی دولت ابدآیت علیه برقرار شدند و الی الان که سال هزار و سیصد میباشد و سنین عمرشان تقریباً بسی رسیده متقلد امور فرمانفرمائی مملکت مزبوره و مضافات میباشند ادام الله تعالی شوکته و اجلاله

محمد حسن